

۱۲- کدام دسته از فلاسفه معنای دوم اتفاق را رد می‌کنند؟ درباره نظرشان توضیح دهید.

کله پاسخ: فلاسفه‌ای مثل ابن‌سینا، ملاصدرا، علامه طباطبایی و برخی فلاسفه اروپایی، این معنا را هم امکان‌پذیر نمی‌دانند. می‌گویند: در صورت انکار جدی سنخیت، فرد اقدام به هیچ کار نمی‌کند. مثلاً نمی‌تواند برای رفع عطش، آب بیاشامد. زیرا رابطه‌ای بین آب و رفع عطش نمی‌بیند.

۱۳- انکار اصل سنخیت منجر به چه نتایجی می‌شود؟

کله پاسخ: فرد نمی‌تواند نظم موجود در طبیعت را تبیین کند. نمی‌تواند دلیل نظم را هم بدست آورد. فرد نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کند. انکار اصل سنخیت، بی‌اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۱۴- کدام معنای اتفاق نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارد؟

کله پاسخ: معنای سوم: نفی هدفمندی

۱۵- چگونه طرح بحث معنای سوم اتفاق را با ذکر مثال توضیح دهید.

کله پاسخ: زمین تحولات بسیاری پیموده، موجودات روز به روز کامل‌تر شدند تا اینکه به کامل‌ترین موجود زنده کره زمین یعنی انسان رسید. مثالی که می‌توان در قالب یک سؤال در خصوص این معنا مطرح نمود: آیا غایت همه تحولات و منتهای آن، اتفاقی، انسان بوده است؟

۱۶- فلاسفه درباره معنای سوم اتفاق (بی‌هدفی) چند دسته هستند؟ نظرشان را بیان نمایید.

کله پاسخ: فلاسفه دو دسته‌اند:

دسته اول: علاوه بر لوازم علیت، به علت نخستین معتقدند؛ معتقدند همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف از پیش تعیین شده قرار دارند؛ یعنی جهان به سوی کمال خود در حرکت است و روز به روز کامل‌تر می‌شود.
دسته دوم: معمولاً به علت نخستین معتقد نیستند؛ غایتمندی زنجیره‌ای حوادث را انکار و حتی وجود فرآیندهای تکاملی را در جهان، امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین نشده است.
دسته سوم: در عین انکار خداوند می‌خواهند برای انسان و جهان غایت و هدف تعیین کنند؛ می‌گویند جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل‌تر می‌شود.

۱۷- دیدگاه کسانی که در عین انکار خداوند می‌خواهند برای انسان و جهان غایت و هدف تعیین کنند، چگونه قابل نقد است؟

(نهایی: دی ۹۹)

کله پاسخ: قبول غایت وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد و اشیا متناسب با آن ساخته شده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و بدون قبول خداوند، چنین غایت و هدفی امکان‌پذیر نیست.

۱۸- درباره معنای چهارم اتفاق (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده) توضیح دهید.

کله پاسخ: این معنا کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. مثال: شخصی برای خرید به فروشگاه می‌رود و اطلاع ندارد همان زمان دوستش نیز به آن فروشگاه رفته است، وقتی دوستش را می‌بیند می‌گوید اتفاقی او را دیدم. اینجا اتفاق یعنی پیش بینی نشده. و گرنه براساس قاعده علیت و لوازم آن، مجموعه تصمیم‌ها و حرکت‌های این شخص و دوستش سبب شده‌اند هم‌دیگر را ببینند.

سوالات خط به خط درس پنجم
۱- مسئله خدا در فلسفه به کدامیک از بخش‌های دانش فلسفه مربوط است؟

کله پاسخ: خدا در فلسفه از یک جهت مربوط به فلسفه مضاف است: فلسفه دین؛ زیرا به مهم‌ترین موضوع ادیان یعنی خدا می‌پردازد. از یک جهت مربوط به بخش اصلی فلسفه است: وجودشناسی؛ زیرا بحثی مهم در این بخش، شناخت علت نخستین و مبدأ هستی یعنی واجب‌الوجود بالذات است

۲- مسئله عقل در فلسفه به کدامیک از بخش‌های دانش فلسفه مربوط است؟

کله پاسخ: عقل در فلسفه از یک جهت مربوط به فلسفه مضاف است: انسان‌شناسی فلسفی. از یک جهت مربوط به بخش اصلی فلسفه است: معرفت‌شناسی؛ زیرا می‌خواهد حدود معرفت بشری را روشن سازد.

۳- در جامعه زمان سقراط، افلاطون و ارسطو اعتقاد به خدا چگونه بود؟

کله پاسخ: در دوره سقراط، افلاطون و ارسطو مردم به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هرکدام را مبدأ یک حقیقت می‌دانستند.

۴- در یونان باستان، «زنوس»، «آپولون» و «آرتمیس» به ترتیب خدای چه اموری بودند؟

کله پاسخ: زنوس: خدای آسمان و باران. آپولون: خدای خورشید و هنر و موسیقی. آرتمیس: خدای عفت و خویشتن‌داری.

۵- عمق اعتقاد مردم یونان باستان درباره خدایان متعدد تا چه اندازه بود؟

کله پاسخ: به حدی این اعتقاد عمیق بود که انکار آنها، طرد از جامعه و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان اجازه توهین به خدایان را نمی‌دادند. اتهام سقراط نیز همین بود: خدایانی که همه اعتقاد دارند انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید.

۶- با توجه به اینکه سقراط گاهی از لفظ خدایان استفاده می‌کرد، درباره اعتقاد او به خدای یگانه چه گزارشی وجود دارد؟

کله پاسخ: سقراط گاهی از لفظ خدایان هم استفاده می‌کرد اما گزارش افلاطون از محاکمه وی نشان می‌دهد سقراط به خدای یگانه اعتقاد داشت و تلاش می‌کرد مردم را به این حقیقت رهبری و هدایت نماید.

۷- چرا افلاطون‌شناسان، افلاطون را ابداع‌کننده خدانشناسی فلسفی نامیده‌اند؟

کله پاسخ: زیرا استدلالی و فلسفی از خدا صحبت کرد.

۸- افلاطون، کار خدا را چگونه می‌داند؟

کله پاسخ: از نظر افلاطون کار خدا هدف‌دار است. خدا یک خدای معین با ویژگی‌های روشن است. با چند خدایی فرق دارد.

۹- توصیف افلاطون از خدا چگونه توصیفی است و او خداوند را چگونه توصیف می‌کند؟ (نهایی: فررداد ۹۹، فررداد ۱۴۰۰)

کله پاسخ: توصیف افلاطون کاملاً بر توصیف خدا در ادیان الهی منطبق است. افلاطون می‌گوید: در سوی دیگر، نوعی وجود دارد که پیوسته ثابت است نه می‌زاید نه از میان می‌رود و نه چیز دیگری را به خود راه می‌دهد و نه خود در چیز دیگری فرو می‌شود. نه دیدنی نه شنیدنی نه از طریق حواس دریافتنی است و فقط با تفکر و تعقل می‌توان به او دست یافت.

۱۰- افلاطون در مواردی از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می‌کند. منظور او را در این خصوص توضیح دهید. (نهایی: دی ۱۴۰۰)

کله پاسخ: همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می‌شود و همانطور که روشنائی شبیه خورشید است اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه «مثال خیر» هستند، نه خود آن.

۱۱- افلاطون در مواردی از خداوند با عنوان «صانع» و آفریننده یاد می‌کند. چرا او این عنوان را مطرح نمود؟

کله پاسخ: تا به انسان‌ها یادآوری نماید که نظم جهان از وجودی عاقل سرچشمه می‌گیرد. در این زمینه می‌گوید: یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می‌توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.

۱۲- طبق توضیحات افلاطون شناسان، در دیدگاه افلاطون چه تفاوتی میان اصطلاح «مثال خیر» و «دمیورژ» درباره وجود خدا دارد؟

کله پاسخ: بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو نام‌های دیگر خداست. معتقدند دمیورژ همان خداست اما در مرتبه خلق جهان، ولی مثال خیر، فقط اشاره به ذات خدا دارد.

۱۳- طبق توضیحات افلاطون شناسان، هدف افلاطون از به کار بردن لفظ خدایان چه بوده است؟

کله پاسخ: آنها می‌گویند اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می‌برد، به معنای چندخدایی نیست، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آن است که به شدت مشرک‌اند.

۱۴- افلاطون تلاشی می‌کرد چه جایگاهی را برای خدا معرفی نماید؟

کله پاسخ: افلاطون تلاش می‌کند خداوند (مثال خیر) را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی‌تواند به آن جایگاه برسد.

۱۵- تلاش ارسطو در ارتباط با مسئله خدا، چه بود؟

کله پاسخ: او که از منطقی قوی برخوردار بود تلاش کرد برهان‌هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین ارائه کند.

۱۶- استدلال‌های ارسطو در اثبات وجود خداوند از چه خصوصیتی برخوردار بود؟

کله پاسخ: قدم‌های اولیه بودند اما استحکام خاصی داشتند و زمینه قدم‌های بعدی شدند.

۱۷- برهان «برترین درجات کمال» ارسطو را بیان نمایید.

کله پاسخ: معتقد است که هر جا یک بهتر، وجود دارد، بهترین نیز هست. در میان موجودات برخی بهتر از برخی هستند پس حقیقتی بهترین وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است.

توضیح: منظور ارسطو این است که هرگاه دو موجود با یکدیگر مقایسه شوند و گفته شود یکی خوب‌تر از دیگری است، باید یک خوب مطلق وجود داشته باشد که بتوان آن دو موجود را با این وجود کامل مقایسه نمود و هر کدام به او نزدیک‌تر باشد، برتر و هر کدام دورتر باشد، ناقص‌تر خواهد بود.

۱۸- برهان حرکت مطرح شده توسط ارسطو را بیان نمایید.

کله پاسخ: برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا برهان حرکت نام دارد. ارسطو معتقد است که وجود حرکت نیازمند یک محرکی است که خودش حرکت نداشته باشد. زیرا اگر حرکت داشته باشد نیازمند محرکی دیگر است و آن محرک دوم نیز اگر نیازمند محرکی دیگر باشد سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۱۹- شکل گیری دوره جدید اروپا در چه قرن‌هایی بود؟ و چه دیدگاه‌هایی درباره خدا مطرح شد؟

کله پاسخ: از قرن‌های ۱۴ و ۱۵ م. بود و با پیدایش دو جریان عقل‌گرا و تجربه‌گرا (حس‌گرا)، درباره خدا نیز دیدگاه‌های مختلفی ظهور کرد.

۲۰- استدلال دکارت درباره اثبات وجود خدا را بیان نمایید.

کله پاسخ: مقدمه ۱: من از حقیقت نامتناهی و علیم و قدیر که خودم و هر چیز دیگر به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.

مقدمه ۲: این تصور نمی‌تواند از خودم باشد. زیرا من متناهی‌ام.

∴ این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست. از وجود نامتناهی است. (او این ادراک را داده).

(این استدلال بر اساس داشتن تصور از خالق نامتناهی است)

۲۱- دیوید هیوم دلایل دکارت و صرفاً عقلی در اثبات خداوند را چگونه می‌داند؟ چرا؟

(نهایی: شهریور ۹۹)

کله پاسخ: دلایل دکارت و صرفاً عقلی را مردود می‌داند زیرا معتقد است عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

۲۲- از نظر هیوم مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی بر اثبات خدا چیست؟ نظر او درباره این برهان چیست؟

(نهایی: خرداد ۹۹، دی ۱۴۰۰)

کله پاسخ: مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی را برهان نظم می‌داند. می‌گوید این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. از دلایل ناتوانی آن: فقط حداکثر یک ناظم و مدبر را اثبات می‌کند نه یک خدا را که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.

۲۳- غیر از دیوید هیوم، سایر تجربه‌گرایان چه اعتقادی درباره برهان نظم داشتند؟

کله پاسخ: تجربه‌گرایان دیگر، عموماً به خدا اعتقاد داشتند و برهان نظم را معتبر دانسته و در اثبات خدا به کار می‌بردند.

۲۴- روش کانت در اثبات خدا چه تفاوتی با روش سایر فیلسوفان عقل‌گرا داشت؟

کله پاسخ: راهی متفاوت با دکارت و سایر فیلسوفان عقل‌گرای پیشین برای اثبات خدا پیمود. به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت یا وجوب و امکان یا ضرورت وجود خدا، به اثبات خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی پرداخت.

۲۵- استدلال کانت در ضرورت وجود خدا را بیان نمایید.

کله پاسخ: ۱. انسان وجدان اخلاقی دارد که او را دعوت به فضیلت و اصول اخلاقی می‌کند و می‌خواهد آنچه برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بپسندد و به صورت یک قاعده، همواره این اصل را در زندگی پیاده کند.
۲. مسئولیت‌پذیری و اخلاق جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار بداند.
۳. اختیار نمی‌تواند ویژگی بدن مادی باشد بلکه باید ویژگی نفس غیرمادی و فناپذیر باشد. این بعد غیرمادی انسان بهره‌مند از وجدان اخلاقی است و درون خود فضایل را خوب و رذایل را بد می‌شمارد.
۴. روح مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اخلاق است چون غیرمادی و جاودانه است برای سعادت دائمی نیازمند جهانی ماوراء دنیای مادی است. چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.
نتیجه: قبول خدا، پشتوانه اختیار و اراده انسان و مسئولیت‌پذیری او و تکیه‌گاه اصول اخلاقی مورد قبول او است. با پذیرش خدا است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا می‌کند و از پوچی و بی‌هدفی خارج می‌شود.

۲۶- تلاش کانت و دکارت درباره اعتقاد به خدا چه بود؟ این تلاش‌ها تا چه اندازه توانست موفقیت آمیز باشد؟

کله پاسخ: کانت و دکارت معتقد بودند در صورتی زندگی معنادار خواهد شد که از پشتوانه قبول خدا برخوردار باشد لذا تلاش می‌کردند پایه‌های عقلی اعتقاد به خدا را استوار سازند اما تفکر حسی و حس‌گرایی رشد کرد و تلاش این دو توانست چندان مؤثر باشد.

۲۷- نتیجه رشد تفکر حس‌گرایی در اروپا چه بود و چه تأثیری در اعتقاد به خدا نهاد؟ درباره چگونگی این تأثیر گذاری توضیح دهید.

کله پاسخ: نتیجه رشد تفکر حسی و حس‌گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان و انسان را مادی می‌شمردند ← سست کردن پایه‌های اعتقاد به خدا و تحت تأثیر قرار دادن مردم. چگونگی این تأثیر گذاری ← معنای زندگی به اهداف مادی محدود شد و زندگی فاقد جنبه‌های متعالی شد. ← پدید آمدن بحران معناداری

۲۸- چند تن از فیلسوفان قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی که از تجربه‌های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خدا استفاده کردند نام ببرید.

(نهایی: شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

کله پاسخ: کرگور (فیلسوف دانمارکی، قرن ۱۹)، ویلیام جیمز (فیلسوف آمریکایی، قرن ۱۹ و ۲۰) و برگسون (فیلسوف فرانسوی، قرن ۲۰)

۲۹- ویلیام جیمز چه نظری درباره دلیل وجود خدا دارد؟ توضیح دهید.

کله پاسخ: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است. مثلاً هر یک از ما احساس می‌کنیم که در هنگام سخن گفتن با خدا و راز و نیاز با او و توصیف عاشقانه او به نوعی از تعالی و معنویت منتقل می‌شویم که ساعتی قبل از آن تهی بوده‌ایم. ما در لحظه‌های حضور، زندگی را متعالی و برتر می‌یابیم.

۳۰- اعتقاد کرگور درباره خدا را بیان نمایید.

کله پاسخ: معتقد است که ایمان هدیه‌ای الهی است که خدا به انسان عطا می‌کند. خدا، مؤمن را برگزیده به او ایمان هدیه می‌کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود زندگی تاریکی دارد.

۳۱- بحران معناداری زندگی منجر به چه نتیجه‌ای در قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی شد؟

کلمه پاسخ: باعث ظهور فیلسوفانی شد که درعین اعتقاد راسخ به خدا به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده‌ای می‌شود.

۳۲- منظور از زندگی معنادار چیست؟

کلمه پاسخ: یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش‌های اخلاقی که انسان را نسبت به آینده مطمئن می‌کند و آرامشی برتر به او می‌دهد.

۳۳- درباره کاتینگهام و اعتقاد او درباره خدا و معنای زندگی توضیح دهید. (نهایی: دی ۱۴۰۰)

کلمه پاسخ: قبول خدا: ۱. زندگی ما را در بستری قرار می‌دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می‌سازد. ۲. این امید را می‌دهد که به جای احساس افتادن در جهانی بیگانه که هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می‌توانیم مأمون و پناهگاهی بیابیم. در کتاب خود اشاره می‌کند که پس از سیر نزولی استدلال‌های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی فیلسوفان درصدد معرفی خدا به عنوان عامل اصلی معنابخشی به زندگی بودند.

سؤالات خط به خط درس ششم

۱- اعتقاد به خدا در فرهنگ ایران باستان چگونه اعتقادی بوده است؟

کلمه پاسخ: اعتقاد به خدا به عنوان خالق هستی که جهان را براساس حکمت و عدل آفریده، در فرهنگ ما سابقه دیرینه دارد و گزارش‌های تاریخی و داستان‌های اسطوره‌ای از ایران قبل از باستان، یعنی پیش از حکومت مادها و هخامنشیان نشانگر باور و اعتقاد به چنین خدایی است.

۲- سهروردی درباره اعتقاد فیلسوفان ایران باستان درباره خدا چه گزارشی ارائه داده است؟

کلمه پاسخ: سهروردی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی معتقد است که حکمای قبل از ایران باستان علاوه بر حکمت با عرفان هم آشنا بودند و خدا را نور هستی می‌دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده‌ها را خلق می‌کند و ظاهر می‌سازد. آنان خداوند را نورالانوار می‌نامیدند.

۳- بحث فیلسوف تا چه زمانی یک بحث فلسفی محسوب می‌شود؟

کلمه پاسخ: بحث فیلسوف درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفی (استدلال عقلی محض) تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۴- آیا فیلسوف لزوماً نباید دارای هیچ عقیده‌ای باشد؟ توضیح دهید. (نهایی: شهریور ۱۴۰۰)

کلمه پاسخ: دکارت و کانت با اینکه مسیحی بودند اما با روش فلسفی به اثبات خدا پرداختند. ابن سینا و فارابی هم در کتب خود با روش عقلی درباره اثبات خدا سخن گفته‌اند. پس فیلسوف کسی نیست که هیچ دین و آیینی ندارد. فیلسوف معتقد به خدا نیز از طریق قواعد فلسفی و استدلال، به خدا اعتقاد پیدا کرده و از همین طریق از عقیده خود دفاع می‌کند.

۵- نظر فیلسوفان مسلمان درباره امکان اثبات وجود خدا را در مقایسه با فلاسفه اروپایی توضیح دهید. (نهایی: فرورداد ۹۹)

کلمه پاسخ: فیلسوفان مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. فلاسفه مسلمان سعی کرده‌اند استدلال‌های طرح شده را با بیانی بسیار دقیق، توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند.

۶- استدلال فارابی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علل را بیان نمایید.

کلمه پاسخ: مقدمه ۱: اگر معلولی که اکنون موجود است معلول علتی باشد که آن علت هم معلول علتی دیگر باشد و سلسله این علت و معلول‌ها اگر تا بی‌نهایت پیش برود، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.

مقدمه ۲: تسلسل علل نامتناهی محال است (هیچ‌گاه پیش نمی‌آید) نتیجه: سلسله علت‌ها و معلول‌ها تا بی‌نهایت نمی‌رود.